

Research Article

The Implications of the Statement of the Second Phase of the Revolution about Spirituality¹

Yarali Kourid Firouzjaei¹

1. Associate Professor, Department of Philosophy and Theology, Baqer al-Uloom University, Qom, Iran. firouzjaei@bou.ac.ir

Abstract

The purpose of the present study is to explain the relative concepts about spirituality in the statement of the second phase of revolution. In this research, relying on the statement of the second phase of revolution, the essence, foundations, realm, and dignity of spirituality, responsibilities of the government in this regard as well as the relative practical guidelines were reviewed using a descriptive-analytical method. The results indicate that the Islamic revolution of Iran due to its Islamic origin, having a mystic and spiritual leader in the center of power, and also the religious and spiritual concerns of the revolutionists, has an outstanding spiritual background. The supreme leader of the revolution has mentioned some guidelines about spirituality for the upcoming phase in his statement and thus paying attention to them is very necessary to maintain the revolution and improve its objectives. An accurate comprehension of the above guidelines depends on the analysis of true spirituality, awareness about the different aspects of spirituality, and their distinguishment from fallacious spirituality.

Keywords: Ayatollah Khamenei, Islamic Revolution of Iran, Spirituality, Statement of the Second Phase of Revolution.

1. **Received:** 2020/02/21; **Accepted:** 2020/09/23

Copyright © the authors

دلالت‌های بیانیه گام دوم انقلاب درباره معنویت^۱

یارعلی کرد فیروزجایی^۱

۱. دانشیار، گروه فلسفه و کلام، دانشگاه باقرالعلوم(ع)، قم، ایران. firouzjaei@bou.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر، تبیین مفاهیم مرتبط با معنویت در بیانیه گام دوم انقلاب است. در این پژوهش با تکیه بر بیانیه گام دوم انقلاب، چستی، مبانی، قلمرو و منزلت معنویت و نیز وظایف حکومت در این زمینه و راهکارهای عملی مربوطه با روش توصیفی-تحلیلی بررسی شد. نتایج حاکی از آن است که انقلاب اسلامی ایران به دلیل اسلامی بودن اصل آن، حضور رهبری معنوی و عارف در رأس آن و نیز دغدغه‌های دینی و معنوی انقلابیون، صیغه معنوی برجسته‌ای دارد. رهبر معظم انقلاب در بیانیه مذکور توصیه‌هایی را درباره معنویت برای گام پیش‌رو مطرح کرده‌اند که توجه به آنها برای صیانت از انقلاب و پیشبرد اهداف آن بسیار لازم است. درک درست این توصیه‌ها متوقف بر تحلیل حقیقت معنویت، آگاهی از ابعاد گوناگون معنویت و تمییز آن از معنویت‌های دروغین می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: آیت‌الله خامنه‌ای، انقلاب اسلامی ایران، معنویت، بیانیه گام دوم.

۱. مقدمه

پدیده انقلاب اسلامی ایران دارای ویژگی‌های فراوانی است که بی‌تردید معنویت یکی از آن‌ها بوده و این ویژگی هماهنگ با ویژگی‌های دیگری مانند دینی بودن و عدالت‌خواهانه بودن صبغه خاصی به آن داده است. انقلاب اسلامی معنویت و دین را از کنج انزوا به میانه میدان و حیات اجتماعی آورد، در حالی که تا قبل از آن از امور فردی و شخصی شمرده می‌شدند و بدین وسیله به عنوان پدیده‌ای نوظهور در دنیای امروز شناخته شده است (فوکو، ۱۳۷۹: ص ۵۶-۶۱). علی‌رغم همه ادعاهایی که درباره چالش‌های جدی بر سر راه حیات معنوی در انقلاب اسلامی مطرح شده است، معنویت همچنان به عنوان یکی از شعارهای اصلی انقلاب شناخته می‌شود و رهبر معظم انقلاب در موارد گوناگون، به ویژه در بیانیه گام دوم انقلاب بر آن تاکید کرده و پیشرفت معنویت را در جامعه ایرانی یکی از برکات بزرگ انقلاب شمرده‌اند و درباره معنویت در گام بعدی انقلاب توصیه‌های مهمی دارند.

در پژوهش حاضر تلاش می‌شود چیستی، مبانی و ابعاد معنویت و نیز الزامات و تکالیفی را که در این زمینه متوجه حکومت است، با تاکید بر بیانیه گام دوم انقلاب مورد بررسی قرار گیرد.

۲. چیستی معنویت

معنویت، مصدر جعلی از صفت معنوی است. معنوی امر منسوب به معنا می‌باشد. در سنت فکری اسلامی معمولاً هر ظاهری را دارای باطن و معنا می‌دانند، معنایی که حقیقت و اصل آن ظاهر را تشکیل می‌دهد. معنا در لغت به معنای مراد، باطن و کنه آمده است و معنوی به معنای امر مربوط به باطن، درونی، غیر مادی، باطنی، روحانی، حقیقی، راست، اصلی، ذاتی و مطلق، کسی که به معنویت می‌پردازد و عارف آمده و متضاد با ظاهر، مادی و صوری است (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۱۴، ص ۲۱۱۹۰-۲۱۱۹۱؛ معین، ۱۳۶۴: ج ۴، ص ۴۲۴۴-۴۲۴۵). بر این اساس می‌توان گفت مراد از معنا در اصطلاح معنویت، چیزی است که در مقابل ظاهر، ماده و دنیای مادی قرار دارد و معنوی نیز امر غیر مادی، باطنی و ماورایی می‌باشد. معنوی احیاناً درباره امر دینی و الهی نیز به کار می‌رود. بدین ترتیب معنویت به معنای معنوی بودن، توجه به امور معنوی و اصل قرار دادن و دامن زدن به امور معنوی است و اهل معنویت کسانی هستند که به امور غیبی و ماورائی ایمان دارند و همه چیز را

در ظاهر خلاصه نمی‌کنند (جوادی آملی، ۱۳۷۲: ص ۱۳۸-۱۴۱). خداوند در قرآن کریم در توصیف متّقین، بر ایمان به غیب تکیه کرده است: «ذلک الکتاب لا ریب فیہ هدی للمتّقین. الذین یؤمنون بالغیب و یقیمون الصلاة و مما رزقناهم ینفقون» (بقره، ۲-۳)، «این کتاب هیچ شکّی در آن نیست (و) راهنمای پرهیزکاران است. آن کسانی که به جهان غیب ایمان می‌آورند و نماز به پا می‌دارند و از هر چه روزی‌شان کردیم، به فقیران انفاق می‌کنند».

رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب معنویت را برجسته کردن ارزش‌های معنوی معنا کرده و فرموده‌اند: «معنویت به معنای برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل اخلاص، ایثار، توکل و ایمان در خود و در جامعه است» (مقام معظم رهبری، بی‌تا: ص ۳۷).

وجه معنوی بودن ارزش‌هایی مانند اخلاص، ایثار، توکل و ایمان آن است که این امور از یک‌سو با باطن و روح انسان ارتباط دارند و از آنجا نشأت می‌گیرند، یعنی کار روح انسان هستند (عمل جوانحی‌اند)، نه کار بدن و عمل جوارحی. از دیگر سو با عالم ماورای ماده و باطن هستی مربوط می‌باشند، یعنی با توجه به عالم باطن و ملکوت و ماورای عالم ماده و برای رسیدن به آنجا صورت می‌گیرند. ارزش‌های یاد شده تنها با تکیه بر این که عالم ماده و دنیای کنونی هم مسبوق به عالم ماورائی بوده و هم منتهی به آن است، تبیین و تفسیر صحیحی پیدا می‌کنند. تامل درباره همین چند مورد از ارزش‌های معنوی که در سخنان رهبر معظم انقلاب آمده است، به این نتیجه منجر می‌شود که محور اصلی ارزش‌های معنوی باور به مبداء و معاد است. اخلاص به معنای خالص کردن نیت برای خداوند و تقرب به او است، به گونه‌ای که هیچ گونه شائبه دنیایی و مادی در کار نباشد و صرفاً برای تحصیل رضای پروردگار انجام شود. البته مرتبه بالای اخلاص آن است که انسان عمل را حتی برای اجر اخروی انجام ندهد (نراقی، ۱۳۷۸: ص ۵۵۶-۵۵۷). آشکار است که انسان اگر ایمان به خدا و یگانگی او نداشته باشد، اخلاص نیز معنا ندارد. ایثار به معنای مقدم داشتن دیگری بر خود در کسب منفعت و دفع زیان است. کسی که به چیزی نیازمند است، اما به جای آنکه خود از آن بهره‌مند شود، به نیازمند دیگری بدهد، ایثارگر خوانده می‌شود. خداوند در قرآن از رستگاری انصار به خاطر ایثار آنها در پذیرش مهاجرین خبر داده است: «وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (حشر، ۹). کسی ایثار می‌کند که به خدا باور

دارد و معتقد است خدا اعمال او را می‌بیند و به آن پاداش مناسب می‌دهد، بنابراین، ایثار نیز فرع بر خداباوری و اعتقاد به این است که خدا از اعمال انسان آگاه می‌باشد و در روز جزا به آن پاداش خواهد داد. توکل نیز متوقف بر خداباوری است. چرا که منظور از توکل در اینجا توکل به خدا بوده و توکل به خدا به معنای آن است که انسان خود را در انجام کارها ناتوان دانسته و فقط خدا را در هستی تاثیرگذار بداند و بر این اساس تنها به او اعتماد کرده، از غیر او قطع امید کند و همه امور خود را به او بسپارد (نراقی، ۱۳۲۸ق: ج ۲، ص ۳۸۴).

ایمان به عنوان یکی از ارزش‌های معنوی که در سخنان رهبر معظم انقلاب آمده است، روشن‌تر و گویاتر از هر ارزش معنوی دیگر دال بر خداباوری و معادباوری است، چرا که مراد از ایمان در بیان ایشان چیزی جز ایمان به مبدء و معاد نیست (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۴/۹/۲۹).

با توجه به توضیحات بیان شده می‌توان گفت بنیاد ارزش‌های معنوی، همان اعتقادات دینی و اصول دین است و هر باور، خلق و خوی و رفتاری که هماهنگ با اعتقادات دینی، در جهت تقویت آنها یا نشأت یافته از آنها باشد، یک ارزش معنوی است. بدین ترتیب صفات، ملکات، اعمال و رفتارها نیز می‌توانند از مصادیق ارزش‌های معنوی باشند و می‌توان از رفتارهای معنوی نیز سخن گفت. مثلاً دوری از زخارف دنیوی و اجتناب از لذت‌های حیوانی و مادی اگر با نیت الهی و ناشی از ایمان به مبدء و معاد باشد، یک ارزش معنوی است، همچنان که فعالیت جهادی و جهاد سازندگی که برای عمران و آبادانی دنیا است، یک ارزش معنوی می‌باشد، چون همراه با ایثار و فداکاری و خدمت به خلق خدا است که با نیت تقرب به خدا انجام می‌گیرد.

از این‌رو مراد از معنویت در سخنان رهبر معظم انقلاب معنویت دینی و اسلامی است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۱۲/۱۴)، نه اموری که صرفاً جنبه روحانی و باطنی دارند، اما بر دین و باورهای دینی ابتناء ندارند. خلق و خواها، توانایی‌ها و رفتارهای باطنی، اسرارآمیز و به ظاهر غیر دنیوی که احیاناً به عنوان امور معنوی شمرده می‌شوند، گرچه از حیث باطنی و روحانی بودن با امور معنوی دینی شباهت دارند، اما به سبب مقید نبودن به چارچوب‌های دینی، از دایره ارزش‌های معنوی که باید در زندگی فردی و اجتماعی احیاء شوند، خارج هستند. معنویت حقیقی همان معنویت دینی بوده و معنویت غیردینی معنویت کاذب است. نظر به این که انسان به تن او خلاصه نمی‌شود و دارای روح و باطنی است که حقیقت او را تشکیل می‌دهد، نیازهای او نیز به نیازهای

مادی محدود نمی‌شود و دارای نیازهای معنوی است، همواره عطش معنویت دارد، اما اگر معنویت راستین به او عرضه نشود و در معرض امور شبه‌معنوی قرار گیرد، ممکن است در اثر ناآگاهی و غفلت دچار انحراف گردد و در دام معنویت‌های دروغین بیفتد، از این‌رو در این مسیر باید با عقلانیت و بصیرت گام برداشت.

۳. مبانی معنویت

گفته شد معنویت به معنای توجه به امور معنوی و برجسته کردن ارزش‌های معنوی است که پیش‌فرض آن‌ها باور به مبداء و معاد است و چنین معنویتی، معنویت دینی است. معنویت دینی و به عبارت دقیق‌تر معنویت اسلامی بر مبانی‌ای استوار است از جمله قبول ساحت غیر مادی هستی (وجود خدا، فرشتگان و...)، قبول ساحت مجرد و باطنی وجود انسان (روح باوری)، عدم انحصار زندگی انسان در زندگی دنیوی (خلود نفس و معاد)، تأثیر ساحت مجرد هستی در عالم ماده و وجود رابطه بین آن دو، ارتباط معرفتی با عالم ماوراء و عالم الهی از طریق وحی و الهام، تأثیر اعمال انسان در زندگی دنیوی و اخروی او. قبل از ورود به سایر مباحث مناسب است اندکی درباره این مبانی توضیح داده شود.

۱- سنگ بنای معنویت قبل از هر چیز بر این اندیشه استوار است که هستی به عالم ماده محدود نیست و نه تنها قلمرو هستی شامل ساحت مجردات می‌شود، بلکه ساحت مجردات مهم‌تر و مبنایی‌تر از ساحت ماده بوده و ساحت مادی مرتبه‌ای نازل از هستی است که از ساحت مجرد نشأت گرفته است و مهم‌ترین عنصر ساحت مجرد هستی، خدا می‌باشد که مبداء و علت همه موجودات دیگر است و همه موجودات دیگر، اصل وجود و کمالات وجودشان را از او گرفته‌اند (ابن سینا، ۱۴۲۹ق: ص ۲۶۳-۲۶۵، همان، ۱۴۱۸ق: ص ۴۷۹-۴۸۱، سهروردی، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۱۰۷-۱۲۴).

۲- انسان در بدن مادی او خلاصه نمی‌شود و مرکب از بدن و روح بوده و انسانیت انسان به روح او است. روح غیر از بدن و اصل وجود انسان بوده و کمالات اصلی انسان، کمالات روح او است و این کمالات غیر از کمالات مادی و ظاهری بدن هستند. خوشی‌ها و لذت‌های روح محدود به خوشی‌های حیوانی و حسی نیستند و سعادت و کمال نهایی انسان سعادت و کمال روح است

(ابن سینا، ۱۴۱۸ق: ص ۴۶۲-۴۶۶، صدرالدین شیرازی، ۱۳۹۱: ص ۲۹۵-۲۹۸).

۳- زندگی انسان به زندگی در دنیا خلاصه نمی‌شود. روح انسان بعد از مرگ باقی می‌ماند و در سعادت و خوشبختی یا شقاوت و عذاب خواهد بود. بعد از مرگ به اعمال انسان در دنیا رسیدگی خواهد شد و به پاداش کارهای نیک و سزای کارهای بد خود خواهد رسید (لاهیجی، ۱۳۷۲: ص ۱۵۹-۱۶۳).

۴- ساحت مجرد هستی و ساحت مادی هستی بی‌ارتباط نیستند، ساحت مادی تحت تاثیر عالم مجردات است و امورات آن به وسیله موجودات مجرد (فرشتگان و ملائک) اداره می‌شود. اعمال نیک انسان‌ها در این دنیا موجب نزول برکات از آن ساحت به این عالم شده و اعمال بد او موجب قطع نزول برکات یا نزول عذاب و بدبختی خواهد شد (فیاض لاهیجی، ۱۳۸۳: ص ۳۳۱-۳۳۵).

۵- اعمال انسان‌ها هم دارای آثار دنیوی (قبل از مرگ) است هم دارای آثار اخروی (بعد از مرگ). مثلاً دعا، صدقه و صلّه رحم موجب گشایش امور، وسعت در رزق و طولانی شدن عمر می‌شود و ظلم و قطع رحم موجب کوتاهی عمر و قساوت قلب شده و بعد از مرگ نیز آثار خاص خود را دارند. پدیده‌هایی مانند بیماری‌ها، فقر و فلاکت، قحطی و گرسنگی، بلایای طبیعی (سیل، زلزله و...) صرفاً تحت تاثیر اسباب طبیعی و مادی نیستند، بلکه در اثر اعمال انسان‌ها نیز ممکن است، رخ دهند (فیاض لاهیجی، ۱۳۸۳: ص ۳۳۱-۳۳۵؛ ابن سینا، ۱۴۱۸ق: ص ۴۸۴-۴۸۵).

۶- راه‌های حصول معرفت محدود به قوای ادراکی معمولی انسان، یعنی حواس و عقل نیست، بسیاری از حقایق از رهگذر عقل یا حواس بشر قابل درک نیستند، برای درک چنین حقایقی که عقل بشر را به آنها راهی نیست، به وحی و الهام نیاز است. وحی و الهام راه‌هایی معرفتی‌اند که انسان‌های برگزیده (یعنی انبیاء و اولیاء) از طریق آنها با عالم ماورای ماده ارتباط یافته، آن حقایق را درک کرده و به دیگر انسان‌ها ابلاغ می‌کنند تا آنها با التزام به آن حقایق به سمت سعادت نهایی هدایت شوند (جوادی آملی، ۱۳۷۲: ص ۱۱۰-۱۱۳).

۴. قلمرو معنویت

معنویت محدود به قلمرو فردی نیست و قلمرو اجتماعی نیز دارد. نظر به اینکه معنویتی که از آن در اینجا سخن گفته می‌شود، ریشه در دین دارد، نمی‌توان حیث اجتماعی آن را نادیده گرفت،

زیرا دین دارای بعد اجتماعی است و بسیاری از اعمال و مناسک عبادی- معنوی آن مانند نماز جمعه و عیدهای فطر و قربان لزوماً باید به نحو جمعی عملی شود (جوادی آملی، ۱۳۷۲: ص ۱۱۳-۱۲۰). در بیانیه گام دوم، رهبر معظم انقلاب از برجسته کردن ارزش‌های معنوی در خود (یعنی فرد) و جامعه سخن گفته‌اند و افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه را از دستاوردها و برکات انقلاب اسلامی شمرده و رونق مساجد و فضاهای دینی، شکل‌گیری صف‌های نوبت اعتکاف، اردوهای جهادی، جهاد سازندگی و بسیج سازندگی از هزاران جوان داوطلب و فداکار و پیاده‌روی زیارت و مراسم گوناگون دینی را از مظاهر و مصادیق آن معرفی کرده‌اند (مقام معظم رهبری، بی‌تا: ص ۲۴-۲۶).

از منظر رهبر معظم انقلاب معنویت محدود به عرصه فردی نیست و گستره آن اجتماع بشری و فعالیت‌های سیاسی را نیز شامل می‌شود و با توجه به وظایفی که برای حکومت و مسئولان حکومتی برای برجسته کردن ارزش‌های معنوی و مبارزه با عوامل ضد معنویت برمی‌شمرند، حیث اجتماعی معنویت آشکار می‌شود.

۵. اهمیت و منزلت معنویت

معنویت به معنای توجه به امور معنوی و برجسته کردن ارزش‌های معنوی منزلت بسیاری دارد و از اهمیت اساسی برخوردار است، مخصوصاً برای انقلاب اسلامی که در اصل برای احیای اسلام و ارزش‌های معنوی آن صورت گرفته است. امام خمینی گرچه نوع حکومت بعد از پیروزی انقلاب را از طریق آراء عمومی معین کرده است، اما آنچه را که به رأی مردم گذاشت، جمهوری اسلامی بود و بر اسلامیت حکومت در کنار جمهوریت تاکید کرده و خود نیز به آن رأی داده و مردم را نیز به رأی به آن دعوت کرده است. اگر اسلامیت حکومت را مشیر به معنویت بدانیم، نقشی که معنویت در این حکومت داشته و اهمیتی که معنویت برای آن دارد، همان نقش و اهمیت اسلامیت است. یعنی فصل مقوم جمهوری اسلامی را همین معنویت تشکیل می‌دهد، اگر جمهوری اسلامی از معنویت یعنی توجه به ارزش‌های معنوی و تبعیت از معیارهای دینی تهی شود، قالبی بی‌محتوا خواهد شد و اصلاً دچار انقلاب ماهیت شده، اسلامی خواندن آن بی‌وجه می‌شود و در این صورت نه برکت و دستاوردی را خواهد داشت که از حیات اسلام و حضور آن در جامعه

انتظار می‌رود و نه رقیب حکومت‌های دیگر خواهد بود و نه ادعایی برای بهتر اداره کردن جامعه بشری خواهد داشت. به همین خاطر است که رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم درباره ضرورت و اهمیت معنویت و اخلاق فرموده‌اند: معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است. بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند (مقام معظم رهبری، بی‌تا: ص ۳۷).

برای آن که حرکت‌ها و فعالیت‌های گوناگونی که در سطح جامعه صورت می‌گیرد، به هدف مناسب برسد و جهت درست داشته باشد، باید همراه با معنویت و حداقل هماهنگ با آن و یا غیر معارض با معنویت و اخلاق باشد، چرا که معنویت، غذای روح انسان و کمال درونی او و مقتضای فطرت و طبیعت اولیه انسان است و اگر کاری صورت گیرد که از معنویت بهره‌ای نداشته، یا از آن فاصله یا با آن تعارض داشته باشد، در نهایت منجر به تباهی انسانیت انسان و منتهی به زوال فطرت او خواهد شد. به همین خاطر است که نیاز اصلی جامعه شمرده شده و حصول آن در جامعه، آن جامعه را سعادتمند می‌سازد، هرچند که آن جامعه دچار کمبودهای مادی باشد و فقدان آن در جامعه، جامعه را بدبخت و شقی می‌گرداند، حتی اگر از همه مواهب و امکانات مادی برخوردار باشند. نظر به همین نکته است که ابن‌سینا پس از آنکه از طریق ضرورت زندگی اجتماعی برای انسان و اقتضائات آن بر ضرورت حکومت و نبوت استدلال کرده است، اولین و مهم‌ترین رسالت حاکم جامعه بشری را آن دانسته است که مردم را خداشناس و معادباور گرداند: «و یكون الاصل الاول فیما یسنه تعریفه ایا هم ان لهم صانعا واحدا قادرا، و انه عالم بالسر و العلانیه، و ان من حقه ان یطاع امره، فانه یجب ان یكون الامر لمن له الخلق و انه قد اعد لمن اطاعه المعاد المسعد و لمن عساه المعاد المشتقی» (ابن‌سینا، ۱۴۱۸ق: ص ۴۸۹).

اصل نخست در آنچه که او وضع می‌کند، باید آن باشد که به مردم بیاموزد آنها آفریدگاری دارند یکتا و توانا و این آفریدگار از باطن و ظاهر آگاه است و حق اوست که فرمان برده شود (شایسته است امر او اطاعت گردد)، چرا که لازم است دستور دادن برای کسی باشد که آفریدن برای اوست. او برای فرمان بردارش سرانجامی سعید و برای نافرمانش سرانجامی شقاوت‌بار تدارک دیده است.

ابن سینا درحالی مهم‌ترین و اساسی‌ترین مسئولیت حاکم اجتماع بشری را خداشناس و معادشناس کردن مردم دانسته است که از طریق نیازهای ضروری زندگی انسان مانند نیاز به خوراک، پوشاک و مسکن بر لزوم حکومت و حاکم برای زندگی اجتماعی انسان سخن گفته است. پیام این موضع ابن سینا آن است که اگر حکومت بخواهد نیازهای اولیه و ضروری زندگی دنیوی انسان را برآورد تا سعادت و خوشبختی آنها حاصل شود، تنها از رهگذر توجه به مبدء و معاد و اصل قرار دادن امور معنوی می‌توان به این هدف دست یافت.

۶. مسئولیت حکومت در تأمین معنویت

معنویت یک نیاز اصلی و اساسی زندگی بشر، خواه در عرصه فردی، خواه در عرصه اجتماعی است و برای آنکه فعالیت‌ها و حرکت‌های مختلفی که در جامعه صورت می‌گیرد، سمت و سوی مناسب و جهت مثبت داشته باشند، باید نسبت مناسبی با معنویت داشته و با وجود معنویت است که می‌توان از خوشبختی جامعه سخن گفت. اما چگونه این امر حیاتی در جامعه بدست می‌آید و آیا حکومت در تأمین آن نقشی دارد؟ در نظر فیلسوفان سیاسی مسلمان و در چارچوب سیاست متعالیه و الهی، هدف اصلی تشکیل اجتماع بشری و حکومت، فراهم شدن بستر حرکت انسان‌ها به سوی سعادت نهایی، یعنی شکوفایی اخلاقی و عقلی و تقرب جستن به خدا است، مثلاً فارابی حاکم را طیب نفوس شهروندان می‌داند و بر آن است که درمان رذیلت‌ها و پروراندن فضیلت‌ها وظیفه او است (فارابی، ۱۴۰۵ق: ص ۲۴، ۴۲-۴۷؛ همان، بی‌تا: ص ۸۴). از این رو حکومتی که براساس سیاست متعالیه تشکیل شده است، نسبت به معنویت مسئولیت خواهد داشت. معنویت به همان اندازه که گران‌بهاء و مهم است، به همان اندازه باید برای دست یافتن به آن جهاد و کوشش کرد و برای تأمین زندگی معنوی و رشد شعور معنوی در جامعه همه افراد مسئولیت دارند و نیاز به جهاد و تلاش همه جانبه است، و از آنجا که معنویت دارای ابعاد اجتماعی است و عرصه‌های عمومی را نیز شامل می‌شود، حکومت‌ها نیز در این زمینه مسئولیت دارند و باید به کمک مردم بشتابند تا این مقصود حاصل شود. اگر حکومتی خیرخواه مردم‌ش بوده و بخواهد کوشش‌های اجزای گوناگون آن مثمرتر باشد و در جهت اعتلاء و رشد مردم پیش برود، باید به معنویت توجه داشته باشد. معنویت موجب برکت فعالیت‌ها و مبارزه با فساد و ظلم است و همراه مناسبی برای

عدالت. رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم به این نکته به خوبی اشاره فرموده‌اند: «شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند، برکات بیشتری به بار می‌آورد و این، بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومت‌ها توفیق چندانی نخواهد یافت» (مقام معظم رهبری، بی‌تا: ص ۳۷-۳۸).

۷. وظایف حکومت‌ها برای رشد معنویت

پس از آنکه آشکار شد در چارچوب جهان‌بینی الهی و سیاست متعالیه حکومت‌ها نیز در تأمین معنویت مسئولیت دارند و وظایف آنها محدود به تأمین نیازهای مادی و دنیوی یا امنیت جانی و مالی نیست، باید بررسی کرد حکومت‌ها، چه وظایفی در این زمینه بر عهده دارند و باید چه گام‌های عملی بدین منظور بردارند. اولین نکته آن است که نظر به ماهیت معنویت و ارتباط آن با جان و اندیشه انسان نمی‌توان با برخورد قهرآمیز آن را تأمین کرد. ارزش‌های معنوی مانند تقوا، ایمان، ایثار، تواضع، سخاوت و... با روح انسان گره خورده‌اند و پدیده‌هایی درونی‌اند که از اندیشه و اعتقاد انسان سرچشمه می‌گیرند و اعمال بدنی صرف نیستند که بتوان با برخوردهای قهرآمیز و امر و نهی، آنها را ایجاد کرد و گسترش داد. این ارزش‌ها در هر بستری نمی‌رویند، در هر فضایی رشد نمی‌کنند و با هر وسیله‌ای به دست نمی‌آیند، بلکه بستر مناسب و فضای مساعد و شرایط مطلوب خود را می‌طلبند و باید اول آن‌ها را فراهم کرد. رهبر معظم انقلاب در بیانیه به خوبی به این نکته توجه داده‌اند: اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومت‌ها نمی‌توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند (مقام معظم رهبری، بی‌تا: ص ۳۸).

اکنون که روشن شد معنویت با دستور، فرمان و قدرت قاهره حکومت‌ها به دست نمی‌آید، باید نشان داد راه حصول آن چیست و حکومت‌ها برای تأمین معنویت چه باید بکنند؟ گام اول آن است که حاکمان و مسئولان دست‌اندرکار حکومت، خود باید آراسته به فضائل معنوی و اخلاقی و پیراسته از رذائل و بیماری‌های معنوی باشند. از باب «الناس علی دین ملوکهم»، اگر می‌خواهیم معنویت در بین رعیت رواج داشته باشد و جامعه یک جامعه معنوی باشد، قبل از هر چیز، والیان و حکمرانان و مسئولان آن جامعه باید معنوی باشند، یعنی نه تنها اولیات و ابتدائیات معنویت را رعایت کنند، بلکه به گونه‌ای رفتار کنند که دیگران از آنها الگو گرفته و با تأسی به آنها فضای

جامعه را با رفتارهای مناسب معنوی کنند. حضرت علی(ع) می‌فرماید: «الناس بأمرانهم اشبه منهم بآبائهم»، «مردم به دولت‌مردان خود شبیه‌ترند تا به پدرانشان» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ص ۲۳۰). براساس این فرمایش، یکی از بهترین راه‌ها برای اصلاح مردم، اصلاح رفتار حاکمان است. اگر می‌بینیم جامعه جاهلی حجاز قبل از اسلام با ظهور اسلام دچار تحول شده و لبریز از معنویت گردید و شخصیت‌های معنوی مانند حمزه، ابوذر و سلمان در آن ظاهر شدند، یکی از مؤثرترین عوامل این پدیده مبارک، حضور شخص پیامبر اکرم(ص) در بین آنها و تأثیر رفتارهای عملی او بوده است. یکی از وجوهی که در فلسفه سیاسی اسلامی بر لزوم حکومت نبی در جامعه بشری استدلال شده، آن است که نبی کامل‌ترین انسان‌ها است و مردم با دیدن رفتار مناسب او تن به آئین او داده، برای نیل به سعادت نهایی انسان با هم همکاری می‌کنند (کرد فیروزجائی، ۱۳۹۳: ص ۵۱۰-۵۱۱).

در انقلاب اسلامی ایران نیز اگر می‌بینیم که مردم پس از انقلاب به معنویت رو آوردند و از فرصت‌ها و سرمایه‌های مادی خود در راه نیل به پیروزی نهایی گذشتند، دیدن زندگی معنوی رهبرشان امام خمینی بود، در واقع ایشان با شخصیت معنوی خود در دل‌ها نفوذ کرده، بذر ارزش‌های معنوی را در آنجا کاشت. رهبر معظم انقلاب به این نکته چنین اشاره کرده‌اند: (انقلاب اسلامی) عیار معنویت و اخلاق را در فضای عمومی جامعه به گونه‌ای چشمگیر افزایش داد. این پدیده مبارک را رفتار و منش امام خمینی در طول دوران مبارزه و پس از پیروزی انقلاب، بیش از هر چیز رواج داد. آن انسان معنوی و عارف وارسته از پیرایه‌های مادی، در رأس کشوری قرار گرفت که مایه‌های ایمان مردمش بسی ریشه‌دار و عمیق بود. هر چند دست تطاول تبلیغات مروج فساد و بی‌بندوباری در طول دوران پهلوی‌ها به آن ضربه‌های سخت زده و لجن‌زاری از آلودگی اخلاقی غربی را به درون زندگی مردم متوسط و به خصوص جوانان کشانده بود، ولی رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی، دل‌های مستعد و نورانی به ویژه جوانان را مجذوب کرد و فضا به سود دین و اخلاق دگرگون شد (مقام معظم رهبری، بی‌تا: ص ۲۵).

با توجه به این نکته اگر بخواهیم در گام دوم انقلاب نیز ارزش‌های معنوی برجسته‌تر گردند و جامعه حیات معنوی داشته باشد، لازم است حکمرانان و مسئولان حکومتی در توجه به معنویت و

رعایت شرایط لازم آن پیش‌گام باشند. اگر هدف از تشکیل حکومت را برخلاف لیبرالیسم، محدود به تأمین امنیت جانی و مالی افراد و توسعه رفاه مادی ندانیم و تأمین شرایط لازم برای همه کمالات انسانی، از جمله سعادت معنوی و اخروی را از وظایف آن بدانیم، همانطور که سیاست متعالیه اقتضاء می‌کند، اولاً، حاکمان نیز خود باید ملتزم به این شرایط بوده و درد و دغدغه معنویت داشته باشند و ثانیاً، افزون بر برنامه‌ریزی برای زنده کردن ارزش‌های اخلاقی و معنوی در بین مردم، از خودشان رفتارهای معنوی بروز دهند، نه رفتارهای معنویت‌ستیز. به همین جهت رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم چنین توصیه فرموده‌اند: اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومت‌ها نمی‌توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، اما خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند (مقام معظم رهبری، بی‌تا: ص ۳۸). مراد از رفتارهای اخلاقی روشن است: رفتارهای اخلاقی رفتارهایی هستند که مطابق چارچوب‌های اخلاقی بوده و واجد شرایط بیان شده در اخلاق هستند، اما منظور از رفتارهای معنوی آن رفتارهایی هستند که هماهنگ با ارزش‌های معنوی و سرچشمه گرفته از باورها و اعتقادات معنوی بوده و از شائبه مادی و دنیایی دور هستند. رفتارهای معنوی به عبادات و مناسک ظاهری شرع محدود نیست و شامل هرگونه رفتاری است که ناشی از باور قلبی به مبداء و معاد بوده یا برای تقویت چنین باورهایی صورت بگیرد، خواه رفتاری فردی باشد، خواه رفتاری اجتماعی. مثلاً همان‌گونه که شب‌زنده‌داری و تهجد و تضرع به درگاه الهی، روزه، اعتکاف و زیارت، رفتار معنوی است، ایستادگی در برابر زورگویان و ستمگران و مبارزه با دیکتاتورهای عالم و سرخم‌نیوردن در مقابل ابرقدرت‌ها نیز رفتار معنوی است، چرا که نه‌راسیدن از قدرت برتر دنیایی آنها و نه گفتن به باج‌خواهی ظالمانه‌شان، نشانه مراتب بالای توحیدباوری و اتکاء و اعتماد به قدرت لایزال الهی است. رفتارهای معنوی حاکمان در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و دیپلماسی، علمی و نظامی قابل رصد است و اکنون مجال پرداختن به آنها نیست و فقط به همین مقدار بسنده می‌کنیم که انسان معنوی روی آورده به خدا، خدا را خدای همه عرصه‌ها و مؤثر در همه قلمروها می‌داند، از این‌رو حاکمان و مدیران با تأسی به حکمرانان معنوی مانند انبیاء الهی و ائمه معصومین(ع) می‌توانند با رفتار خداپاورانه و معادپاورانه خود مروج معنویت و احیاگر ارزش‌های معنوی در سطح جامعه و عموم مردم باشند.

۸. لزوم بسترسازی حکومت برای معنویت

گام دیگری که رهبر معظم انقلاب برای ترویج معنویت در جامعه در این بیانیه به آن اشاره کرده و حکومت را در این زمینه موظف شمرده‌اند، زمینه‌سازی برای معنویت در جامعه، میدان دادن به نهادهای اجتماعی در این باره و کمک به آنها است. ایشان در این زمینه فرمودند: و زمینه را برای رواج آن (یعنی معنویت) در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند (مقام معظم رهبری، بی‌تا: ص ۳۸).

۹. اصلاح آموزش و پرورش به مثابه موثرترین گام زمینه‌ساز معنویت

پیش از این گفته شد که ترویج معنویت از راه‌های قهرآمیز ممکن نیست و نتیجه نمی‌دهد و نظر به اینکه معنویت امری است که با ذهن و ضمیر انسان مرتبط است، برای ترویج آن باید کار را با اندیشه و روح او آغاز کرد. از این‌رو زمینه‌سازی برای رواج آن به همین بُعد از وجود انسان یعنی روح او و نیازمندی‌ها و اقتضائات روحانی برمی‌گردد. مهم‌ترین امر در زمینه‌سازی برای معنویت آن است که انسان آگاهی‌های لازم در این زمینه را داشته باشد و از حقایق مربوط به معنویت، مخصوصاً پیش‌شرط‌ها و مبانی آن به اندازه کافی آگاه شود و از جهل و نادانی درباره آن برهد. از این‌رو نظام تعلیم و تربیت، یعنی آموزش و پرورش و آموزش عالی در زمینه معنویت نقش تعیین‌کننده دارد و لازم است به گونه‌ای طراحی شود که از طریق آن مبانی، مؤلفه‌ها و عناصر ارزش‌های معنوی معرفی و شناخته شوند.

۱۰. نقش علوم انسانی در ترویج معنویت

مخصوصاً علوم انسانی که با انسان، نیازها و رفتارهای او سروکار دارند، باید به گونه‌ای عرضه شوند که از رهگذر آن، الحاد، کفر و معنویت‌ستیزی ترویج نگردد، بلکه تمهیدی باشد برای زنده شدن معنویت و ارزش‌های معنوی در جامعه. بی‌تردید اگر علوم انسانی مبتنی بر فلسفه‌های غیر الهی (یا الحادی) و ماده‌باورانه در جامعه رواج داشته باشد و اندیشه‌های سکولار و دنیاگرایانه از طریق آنها به ذهن مردم رسوخ کند، عرصه را بر معنویت تنگ خواهد کرد و مروج دنیاگرایی خواهد بود، اما اگر علوم انسانی مبتنی بر حکمت و فلسفه الهی اسلامی و آموزه‌های وحیانی باشد،

تلقی‌ای روحانی و معنوی از انسان ارائه می‌کند و برنامه‌ای جامع برای سعادت دنیا و آخرت او پیشنهاد می‌کند. کسی که تغذیه فکری و علمی معنوی شده باشد، می‌تواند رفتار معنوی از خود بروز دهد و صرفاً دنبال متاع دنیوی و لذت‌ها و خوشی‌های مادی و ظاهری نمی‌رود، او با ایمان به مبدء و معاد، رفتارهایی متفاوت از انسان‌های غوطه‌ور در امور مادی و دنیایی خواهد داشت. شخصی که خوراک روح و عقل او معنوی شده باشد، زمینه برای معنوی شدن خلق و خواهی، صفات و ملکات و رفتارهای ظاهری و بدنی او نیز فراهم خواهد شد. البته باید خاطر نشان کرد که اصلاح بینش‌ها و آگاهی‌های یک شخص برای معنوی شدن او کافی نیست، اما بی‌تردید شرط لازم آن است و تا این شرط فراهم نشود، دیگر تلاش‌ها و کوشش‌ها به سختی ثمر می‌دهند. اما از آنجا که نظام آموزشی در مراحل گوناگون در اختیار حکومت است و حداقل برنامه‌ریزی آن بر عهده حکومت می‌باشد، اگر بخواهیم شاهد رشد معنویت در جامعه باشیم، لازم است حکومت در این زمینه ورود کند و به یاری دردمندانی بیاید که در این زمینه طرح و برنامه دارند تا آنها بتوانند این برنامه‌ها را اجرا کنند. افزون بر لزوم جهت‌دهی صحیح به نظام آموزشی کشور و اصلاح آموزش و پرورش و نهادهای آموزش عالی، لازم است نهادهای اجتماعی دیگر نیز دست به کار شوند تا فضا را برای رشد معنویت مهیاء کنند. در این مسیر گروه‌های مردم نهاد و آتش به اختیار نیز می‌توانند نقش ایفا کنند، اما بدون همراهی و کمک حکومت، فعالیت‌های محدود آنها راه به جایی نخواهد برد، از این رو لازم است حکومت به این نهادها هم میدان عمل و اجازه ورود دهد و هم از آنها حمایت و پشتیبانی کند. البته برای آنکه نهادهای اجتماعی و گروه‌های مردمی در این مسیر به دام انحراف وارد نشوند و در گرداب معنویت‌های کاذب فرو نغلطند، لازم است تحت هدایت و راهبری دانشمندان و رهبران دینی آگاه به این امر اقدام کنند و محفل‌های معنوی و هیئات مذهبی و مانند آن باید به طور مداوم مورد مراقبت و آسیب‌شناسی قرار گیرند تا کمتر در معرض آسیب قرار گیرند.

۱۱. لزوم مبارزه با کانون‌های معنویت‌ستیز

اقدام دیگری که رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم برای احیای ارزش‌های معنوی در گام انقلاب لازم دانسته‌اند، مبارزه هوشمندانه با کانون‌های ضد معنویت است. کانون‌های ضد معنویت

برای رسیدن به اهداف مادی و دنیایی خود با معنویت و توجه مردم به ارزش‌های معنوی مخالفت و مبارزه می‌کنند و می‌خواهند از این طریق دیگران را اغفال کنند تا مطامع دنیوی خود را تأمین و چه بسا با به کار گرفتن امکانات گسترده، سدّی بزرگ در برابر حیات معنوی ایجاد کنند که در واقع نه تنها راه رسیدن به بهشت را ناهموار و پرفراز و نشیب می‌کنند، بلکه مردم را به زور به سمت جهنم می‌برند. آنها با لطائف الحیل می‌کوشند مردم در لجن‌زار شهوات و مادیات غوطه‌ور شوند و بدین وسیله آنها را از حیات طیبیه دور کنند، آنها با آنکه شعار مبارزه با «به زور بهشتی کردن مردم» سر می‌دهند و می‌گویند مردم را نباید با روش‌های قهرآمیز به سمت بهشت برد، اما خودشان با اعمال قهرآمیز مردم را به سمت جهنم سوق می‌دهند و با فریب و زور، آنها را جهنمی می‌کنند. بی‌تردید مبارزه با کانون‌ها و ابزارهایی که می‌خواهند مردم را به زور جهنمی کنند، لازم است. در طول تاریخ روش‌ها و ابزارهای متنوعی برای فریب دادن مردم و ترویج فساد وجود داشته است، اما در این برهه از زمان ابزارهای رسانه‌ای نوینی ظاهر شدند که وسیله بسیار خطرناکی در دست معنویت‌ستیزان بوده و به شکل‌های مختلف، ذهن و ضمیر مخاطبان به ویژه جوانان را تسخیر کرده، آنها را به همان سویی هدایت می‌کنند که خود می‌خواهند و با بدترین تغذیه‌های فکری و عاطفی موجب تباهی و زوال عقلانیت، معنویت، اخلاق و دیانت آنها می‌شوند.

امروزه اینترنت و شبکه‌های مجازی که در بستر آن شکل گرفته‌اند، در کنار سایر رسانه‌ها امر معنویت‌ستیزی را تسهیل و راه مبارزه با معنویت‌ستیزی را سخت کرده است. از این‌رو حکومتی که ادعای اسلامی بودن و معنویت دارد، در این زمینه نمی‌تواند بی‌تفاوت باشد، بلکه مسئولیتی سنگین بر عهده دارد و کمترین غفلت و سستی در مبارزه با جریان‌ات معنویت‌ستیز، خسارت‌های سنگین به دنبال خواهد داشت. ابزارهای رسانه‌ای نوین همان‌طور که زمینه معنویت‌ستیزی را فراهم کرده‌اند، زمینه ترویج معنویت‌های کاذب و نوظهور را نیز فراهم آورده‌اند و در عین حال بستر مناسبی برای ترویج معنویت راستین و احیای ارزش‌های معنوی هستند، از این‌رو فعالیت در این عرصه نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و توجه به ابعاد گوناگون امر دارد. پدیده فضای مجازی در دوران حاضر موجب شده است ماهیت و مسئولیت‌های نهادهای دولتی مربوطه، به ویژه وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات بسیار متفاوت با آن چیزی باشد که قبل از شکل‌گیری این پدیده تصور می‌شد.

اهمیت این موضوع تا بدانجا است که موجب تأسیس «شورای عالی فضای مجازی» در جمهوری اسلامی ایران برای سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری‌های کلان در این زمینه شده است. شاید بتوان گفت در دوره پیش‌رو (یعنی در گام دوم انقلاب) عرصه فضای مجازی و ابزارهای رسانه‌ای نوین، مهم‌ترین عرصه برای فعالیت‌های انقلابی و آوردگاهی مهم برای انقلابیون، مجاهدان و مبارزان باشد.

البته مبارزه با معنویت‌ستیزان، مخصوصاً مبارزه با فعالیت‌های معنویت‌ستیزانه آن‌ها در بستر ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فضای مجازی، به خاطر ماهیت این کار و مخصوصاً به خاطر ماهیت ابزارهای رسانه‌ای و امکانات آنها، نیازمند تدبیر، ظرافت و هوشمندی خاصی است که اگر این تدبیر و هوشمندی رعایت نگردد، چه بسا باعث مغلوبه شدن ماجرا و تحمّل شکست‌های سنگین گردد که رهایی از آن‌ها به این آسانی نباشد. رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم به این نکات به خوبی توجه داده‌اند: پس حکومت‌ها ... با کانون‌های ضدّ معنویت و اخلاق، به شیوه معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهنمی‌ها مردم را با زور و فریب جهنمی کنند. ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانون‌های ضدّ معنویت و ضدّ اخلاق نهاده است و هم اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها را به چشم خود می‌بینیم. دستگاه‌های مسئول حکومتی در این باره وظایفی سنگین بر عهده دارند که باید هوشمندانه و کاملاً مسئولانه باشد. این البته به معنی رفع مسئولیت از اشخاص و نهادهای غیر حکومتی نیست. در دوره پیش‌رو باید در این باره برنامه‌های کوتاه مدت و میان مدت جامعی تنظیم و اجرا شود. ان شاء الله (مقام معظم رهبری، بی‌تا: ص ۳۸-۳۹).

۱۲. نتیجه‌گیری

معنویت به معنای برجسته کردن ارزش‌های معنوی، یکی از مولفه‌های مهم انقلاب اسلامی است که همه آنها که در مقابل انقلاب احساس مسولیت می‌کنند، باید در پاسداری از آن بکوشند. رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم به معنای درست آن توجه داده‌اند تا با معنویت‌های نوظهور و دروغین اشتباه گرفته نشود. معنویت راستین که به روح و باطن انسان مربوط می‌شود، بر مبانی

اعتقادی مانند باور به مبداء و معاد استوار است و برای ترویج آن اولاً حاکمان و مدیران حکومتی باید آراسته به فضائل معنوی باشند تا مردم با تأسی به آنها مسیر معنویت را در پیش بگیرند، ثانیاً نظام آموزش و پرورش باید به گونه‌ای اصلاح شود که نه تنها با معنویت در تعارض نباشد، بلکه هموارکننده مسیر آن باشد، یعنی آموزش‌هایی به جوانان داده شود که موجب تقویت ذهنیت معنوی آنها گردد. ثالثاً حکومت باید به کمک نهادهای مردمی بشتابد که در عرصه ترویج معنویت گام برمی‌دارند، رابعاً، حکومت باید در مبارزه با معنویت‌ستیزان، مخصوصاً آنها که با بهره‌گیری از ابزارهای رسانه‌ای نوین درصدد فریب مردم و سوق دادن اجباری آنها به سمت جهنم هستند، برنامه داشته باشد.

منابع

قرآن کریم.

۱. ابن سینا (۱۴۱۸ق). *الالهیات من کتاب الشفاء*. تحقیق حسن‌زاده آملی. قم: مکتب الاعلام الاسلامی، مرکز النشر.
۲. ابن سینا (۱۴۲۹ق). *الاشارات و التنبیها*. تحقیق مجتبی زارعی. قم: موسسه بوستان کتاب، چاپ دوم.
۳. ابن شعبه حرانی (۱۳۶۳). *تحف العقول*. ترجمه احمد جنتی. بی‌جا: انتشارات علمیه اسلامیه.
۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۲). *شریعت در آینه معرفت*. تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
۵. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۱/۱۲/۱۴). *بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی مرکز طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/search-result?q>
۶. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۴/۹/۲۹). *بیانات در دیدار با کارگزاران نظام*. قابل دسترس در:
khamenei.ir/speech-content?id=۲۷۷۸
۷. خامنه‌ای، سیدعلی (بی‌تا). *بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران*. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۸. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، *لغت‌نامه*. زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم (دوره جدید)، ج ۱۴.
۹. سهروردی، شهاب‌الدین (۱۳۸۰). *مجموعه مصنفات*. تصحیح و مقدمه هانری کرین. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ سوم، ج ۲.
۱۰. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۱). *الشواهد الربوبیه*. با اشراف محمد خامنه‌ای؛ تصحیح، تحقیق و مقدمه سید مصطفی محقق داماد. تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا، چاپ دوم.
۱۱. فارابی، محمد بن محمد (بی‌تا). *السیاسه المدنیه، حقه و قدم له و علق علیه*. فوزی متری نجار. بیروت: مطبعه الکاتولیکیه.
۱۲. فارابی، محمد بن محمد (۱۴۰۵ق). *فصول منتزعه، حقه و قدم له و علق علیه*. فوزی متری نجار. تهران: انتشارات الزهراء، الطبعة الثانية.
۱۳. فوکو، میشل (۱۳۷۹). *ایران: روح یک جهان بی‌روح و نه گفتگوی دیگر با میشل فوکو*. ترجمه نیکو سرخوش، افشین جهان‌دیده. تهران: نشر نی.
۱۴. فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق (۱۳۸۳). *گوهر مراد*. تهران: نشر سایه.
۱۵. کرد فیروزجایی، یارعلی (۱۳۹۳). *حکمت مشاء*. قم: انتشارات حکمت اسلامی.
۱۶. لاهیجی، ملاعبدالرزاق (۱۳۷۲). *سرمایه ایمان*. به تصحیح صادق لاریجانی آملی. تهران: الزهراء، چاپ سوم.

۱۷. معین، محمد (۱۳۶۴). فرهنگ فارسی. تهران: امیرکبیر، ج ۴.
۱۸. نراقی، ملا مهدی (۱۳۲۸ق). جامع السعادات. قم: انتشارات اسماعیلیان، الطبعة السابعة، ج ۲.
۱۹. نراقی، ملا احمد (۱۳۷۸). معراج السعاده. اصفهان: نقش نگین.

استناد به این مقاله**DOI:** 10.22034/sm.2021.122001.1517

کرد فیروزجایی، یارعلی (۱۳۹۹). دلالت‌های بیانیه گام دوم انقلاب درباره معنویت. سیاست متعالیه، ۸ (۳۱): ص ۲۰۱-۲۲۰.